

# انهدام یک جنبش توده ای ارتجاعی

رضا مقدم – یازدهم دی ۱۳۸۸

تظاهرات دولتی چهارشنبه نهم دی نشان آشکاری است بر انهدام یک جنبش توده ای ارتجاعی که رژیم اسلامی سالها بر آن متکی بود. رژیم اسلامی از آغاز با به خیابان آوردن اوباشان یک جنبش ارتجاعی توده ای مردم ناراضی را مرعوب می کرد. حتی ده سال قبل هم بعد از غارت خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران و ضرب و شتم و کشتار دانشجویان در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ قادر شدند این جنبش ارتجاعی را در دفاع از جنایتی که علیه دانشجویان کرده بودند به خیابان آورند. اما اخیرا با پاره و آتش زده شدن عکس خمینی در تظاهراتها و نمایش فیلم آن در تلویزیون و حتی پس از یک کمپین تبلیغاتی وسیع، خامنه ای و پاسداران نتوانستند این جنبش ارتجاعی را تحت عنوان اهانت به خمینی (که مورد وثوق همه جناحهای حاکمیت است) پس از نماز جمعه به خیابان آورند و به سختی شکست خوردند.

به همین دلیل تظاهرات دولتی چهارشنبه نهم دی مستقل از تعداد شرکت کنندگان برای ارباب جنبش عظیم ضد استبدادی جاری نبود. خامنه ای و پاسداران جنایت پیشه خود بهتر از همه می دانند که جنبشی که در روز یکشنبه ششم دی با قبول همه خطرات دستگیری، شکنجه و مرگ ستون فقرات رژیم اسلامی را هدف گرفته بود مرعوب تظاهر کنندگانی نمی شوند که اکثریت آنها اجبارا و به صرف ساندویچ و آب میوه، و محسوب شدن وقت شان در تظاهرات بعنوان ساعت کار و با ایاب و ذهاب مجانی به خیابان آورده شده بودند. نیرو و ترکیب این تظاهر کنندگان مناسب ارباب جنبش ضد دیکتاتوری جاری نیست. این نوع تظاهراتها مناسب جشن و بزم است و رژیم شاهنشاهی پهلوی نیز برای جشنهای چهارم و نهم آبان اینگونه تظاهراتها را سازمان می داد که به تظاهراتهای فرمایشی معروف بود. البته تظاهرات روز چهارشنبه قوت قلبی برای نیروهای سرکوب رژیم اسلامی نیست زیرا چون شرکت در این تظاهرات برای بسیاری از کارکنان دولتی و دانش آموزان اجباری بود بسیاری از آنها در اوقات غیر کاری خود در تظاهراتهای ضد دیکتاتوری هم شرکت می کنند!

هدف تظاهرات روز چهارشنبه نهم دی برای تقویت روحیه ضعیف انواع و اقسام نیروهای امنیتی، نظامی و انتظامی رژیم اسلامی بود که نزدیک به هفت ماه است زیر یک فشار روبه تزاید و خرد کننده سیاسی، اخلاقی، روانی است. با تظاهرات چهارشنبه خامنه ای و پاسداران کوشیدند تا قوت دلی باشند برای نیروهای خسته و فرسوده و مرددی که در هفت ماه گذشته صدها نفر را کشته و هزاران نفر را دستگیر و شکنجه کرده اند. و معنایی جز آن ندارد که رژیم اسلامی مصمم است سرکوب جنبش اعتراضی مردم ایران را شدت بخشد و لوازم و تجهیزات انتظامی جدیدی را در خیابانها بکار گیرد که در طول عمر خود حتی بعضا نیازی به داشتن آن نمی دید.

تلاش برای سرکوب خشن جنبش فعلی در کوتاه مدت هر محدودیتی هم که بوجود بیاورد در میان مدت فقط جناح انقلابی جنبش آنرا تقویت می کند و از نفوذ جریاناتی که خواهان حفظ رژیم اسلامی و حذف فقط احمدی نژاد هستند، می کاهد. چرا که حذف احمدی نژاد و یا قبول حتی بخش کوچکی از مطالبات جنبش عظیم ضد استبدادی جاری نتیجه یک سازش است که آمادگی یک

طرف مناقشه به تنهایی کافی نیست بلکه همواره نیازمند آمادگی هر دو سو است. تظاهرات چهارشنبه فراخوانی به منظور نمایش آمادگی برای سازش نبود، بلکه فراخوانی برای تدارک سرکوب خشن تر است. اما مانند همه تجاب تاریخی حتی ایدئولوژیک ترین نیروهای سرکوب در برابر یک جنبش توده ای دچار تردید و دودلی می شوند و این یک آفت کشنده برای هر نیروی سرکوبگر است. بعلاوه همانند تظاهرات های ششم دی مردم ایران میروند تا از حق طبیعی خود برای دفاع از خودشان در مقابل خشونت نیروهای جنایتکار رژیم اسلامی استفاده کنند و تزلزل بیشتری در میان نیروهای امنیتی و نظامی ایجاد کنند. بسیج یک جنبش توده ای ارتجاعی دیگر برای رژیم اسلامی ممکن نیست. در مقابل رژیم اسلامی تنها دو راه تسلیم و یا سرکوب کلاسیک نظامی جنبش وجود دارد که این دومی هم در میان مدت باعث رشد نفوذ جناح انقلابی جنبش خواهد شد. رژیم هیچ راه چاره ای در مقابل این جنبش ندارد چرا که رفتن این رژیم حکم تاریخ است.

**به نقل از به پیش! شماره ۵۰، سه شنبه ۱۵ دی ۱۳۸۸، ۵ ژانویه ۲۰۱۰**